



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»
(اعاده از شورای نگهبان (۱))
(ویرایش اول)

مخصوص صحن علنی

مشخصات طرح

دوره یازدهم - سال دوم

شماره ثبت:

۳۴۲

شماره چاپ:

۱۳۳۷

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲-۲۴۰۱۷۸۶۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۱/۹/۵

تهیه و تدوین:

حسین محمدی

ناظر علمی:

مهدی عبدالملکی



دفتر مطالعات حقوقی



مقدمه

«طرح اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» که در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ اعلام وصول گردیده بود پس از تصویب در مجلس در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۹، به شورای نگهبان ارسال شد. شورای محترم نگهبان نیز به موجب نظریه شماره ۱۰۲/۳۲۱۲۵ مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۵ مصوبه مجلس را واجد ایراد دانسته و آن را به مجلس اعاده نمود. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در راستای رفع ایرادات و ابهام‌های شورای نگهبان، اصلاحاتی را در خصوص مصوبه سابق خویش در تاریخ ۱۴۰۱/۸/۱۰ به تصویب رساند که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

ماده (۲) - مغایرت با بند «۱» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی

در ماده (۲) مصوبه مجلس شورای اسلامی مقرر شده بود که سازماندهی تشکیلات قضایی، اداری دیوان عدالت اداری در قالب معاونت‌های تخصصی به پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد. شورای محترم نگهبان، این ماده را به جهت آنکه مطابق بند «۱» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» از صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه می‌باشد، تصویب تشکیلات قضایی، اداری و تعداد شعب دیوان و سازماندهی آنها توسط رئیس قوه قضائیه لزوماً از طریق پیشنهاد رئیس دیوان را مغایر اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی تشخیص داد. کمیسیون محترم در راستای رفع ایراد شورای نگهبان، عبارت «با پیشنهاد رئیس دیوان» را از این ماده حذف نمود. بنابراین به نظر می‌رسد ایراد مذکور در این ماده مرتفع گردیده و بنابراین تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۳) - ابهام

تبصره ماده (۳) مصوبه مجلس، ضمن تعریف مراجع اختصاصی اداری، مقرر نموده بود که «مقصود از مراجع اختصاصی اداری کلیه مراجع و هیأت‌هایی است که به موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضایی تشکیل می‌شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و شکایاتی می‌کنند که در صلاحیت آنها قرار داده شده است؛ نظیر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون‌های مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی، هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما و کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به‌عهده آنها واگذار شده باشد.» اما با عنایت به اینکه صدر تبصره «۳» به «قوانین و مقررات قانونی» اشاره شده بود اما ذیل تبصره مذکور قید «قانونی» به‌واژه مقررات اضافه نشده بود آن را واجد ابهام دانست. توضیح آنکه در صورتی که مقصود، صرفاً واژه «مقررات» بدون تقید به قید قانونی بودن باشد واجد ایراد به نظر می‌رسد. بنابراین کمیسیون در راستای رفع این ابهام، قید «قانونی» را به واژه «مقررات» مذکور در ذیل تبصره «۳» ماده (۳) اضافه نمود که رافع ابهام شورای نگهبان بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۴) - مغایرت با بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی

مطابق ماده (۴) مصوبه مجلس تصریح گردیده بود که چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی قضات دارای مدرک دکترای حقوق عمومی، براساس دستورالعملی است که بنا به پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. اما شورای محترم نگهبان تصویب دستورالعمل مذکور لزوماً از طریق پیشنهاد رئیس دیوان را مغایر بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی تشخیص داد. درواقع با توجه به اینکه مطابق بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی، «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» به صورت مطلق از وظایف رئیس قوه قضائیه می‌باشد لذا منوط نمودن آن به پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری مغایر بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی است. در راستای رفع ایراد شورای نگهبان، کمیسیون مربوطه ضمن اینکه صلاحیت تصویب این دستورالعمل را در صلاحیت رئیس قوه قضائیه مقرر نمود، مقرر داشت: «رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» بنابراین با اصلاح صورت گرفته توسط کمیسیون، به نظر می‌رسد ایراد شورای نگهبان مرتفع گردیده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۵) - ابهام

در صدر ماده (۵) مصوبه مجلس مقرر شده بود که رئیس دیوان، علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه قسمت‌های دیوان، ریاست شعبه اول تجدیدنظر دیوان را نیز برعهده دارد. شورای نگهبان ضمن بررسی این ماده اظهار نمود از این جهت که آیا رئیس دیوان نیز، به عنوان رئیس شعبه اول تجدید نظر دیوان، باید شرایط قضاوت مذکور در ماده (۴) قانون را داشته باشد یا خیر؟ ابهام دارد. درواقع با توجه به اینکه مطابق ماده (۴) این مصوبه، شرط قضاوت در دیوان عدالت اداری، دارا بودن هفت سال سابقه قضایی تعیین شده است، لذا مشخص نیست که رئیس دیوان جهت تصدی ریاست، باید شرط مذکور را دارا باشد یا خیر؟ کمیسیون در راستای رفع این ابهام، عبارت «با رعایت شرایط مذکور در ماده (۴)» را به این ماده اضافه نمود که رافع ابهام شورای بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

علاوه بر این با توجه به اینکه مطابق تبصره این ماده مقرر شده بود رئیس دیوان می‌تواند وظایف و اختیارات خود را بجز اختیارات خاص موضوع مواد (۷۹) و (۹۱)، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هریک از معاونین خود تفویض نماید، شورای نگهبان از این جهت که عبارت «در امور قضایی» شامل صدور رای می‌شود یا خیر؟ آن را دارای ابهام تشخیص داد. توضیح آنکه برخی از اختیارات رئیس دیوان از جمله صدور رأی قائم به شخص بوده و قابل تفویض نمی‌باشد. کمیسیون در راستای رفع ابهام مذکور، ضمن احصای اختیارات غیرقابل تفویض مقرر داشت: «رئیس دیوان می‌تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۲)، (۴)، (۷)، (۱۹)، (۴۷)، (۷۹) و (۸۴) و تبصره ماده (۸۵)، مواد (۸۷)، (۹۱) و (۱۲۰) این قانون را، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هریک از معاونین خود تفویض نماید.» به نظر می‌رسد علی‌رغم اصلاح صورت گرفته، ابهام شورا کماکان باقی است. توضیح آنکه اولاً در ماده (۲) اختیاری برای رئیس دیوان پیش‌بینی نشده است. ثانیاً اختیار تعیین معاون اول دیوان و ریاست شعبه اول تجدیدنظر مصرح در ماده (۵) نیز غیرقابل تفویض به نظر می‌رسد که احصا نگردیده است. ثالثاً مشخص نیست علی‌رغم استثنا شدن مواردی که رئیس دیوان به ریاست قوه قضائیه پیشنهاد می‌نماید، چرا اختیار پیشنهاد مذکور در ماده (۶) ذکر نشده است. رابعاً تعیین ریاست هیأت عمومی در غیاب رئیس دیوان (ماده ۸)، نیز از اختیارات خاص رئیس دیوان است که غیرقابل تفویض به نظر می‌رسد. خامساً با توجه به اینکه در ماده (۷۹) دو اختیار برای رئیس دیوان مقرر شده است مشخص نیست که منظور کدام یک از اختیارات مذکور می‌باشد. سادساً با توجه به اصلاح ماده (۸۴)، تنها صلاحیت اخذ نظر مشورتی از هیأت‌های تخصصی برای رئیس دیوان منظور گردیده است که قابل تفویض به نظر می‌رسد. بنابراین عدم تصویب این تبصره و تصویب آن به شرح زیر مورد پیشنهاد است:

تبصره - رئیس دیوان می‌تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۲)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، (۱۹)، (۴۷)، (۷۹) به جز تبصره آن، تبصره ماده (۸۵)، مواد (۸۷)، (۹۱) و (۱۲۰) این قانون را، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هریک از معاونین خود تفویض نماید.

ماده ۶- مغایرت با بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی

مطابق تبصره ماده (۶) مصوبه مقرر شده بود که: «در صورت ارائه الکترونیکی خدمات مذکور به مردم و دستگاه های اجرایی به نحوی که با تشخیص رئیس دیوان وجود این دفاتر در برخی از استانها ضرورت نداشته باشد، دفتر منحل و کارکنان شاغل آن در صورت تمایل به دیوان عدالت اداری در تهران و در غیر این صورت به دادگستری محل، منتقل می گردند.» اما شورای محترم نگهبان این ماده را به جهت اعطای اختیار انحلال دفاتر در استان ها توسط رئیس دیوان به صورت مستقل، مغایر بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی تشخیص داد. توضیح آنکه با توجه به اینکه مطابق بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی، «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» به صورت مطلق از وظایف رئیس قوه قضائیه می باشد لذا اعطای اختیار انحلال دفاتر استانی به رئیس دیوان عدالت اداری مغایر بند مذکور است. کمیسیون در راستای رفع ایراد مذکور ضمن اصلاح مصوبه مقرر داشت: «در صورت ارائه الکترونیکی خدمات مذکور به مردم و دستگاه های اجرایی به نحوی که با تشخیص رئیس قوه قضائیه وجود این دفاتر در برخی از استانها ضرورت نداشته باشد، دفتر منحل و کارکنان شاغل آن در صورت تمایل به دیوان عدالت اداری در تهران و در غیر این صورت به دادگستری محل، منتقل می گردند. رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» بنابراین با توجه به اصلاح صورت گرفته به نظر می رسد ایراد شورای نگهبان مرتفع گردیده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده ۷- مغایرت با بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی و ابهام

ماده (۷) مصوبه ضمن تجویز استفاده دیوان عدالت اداری از کارشناسان و تعیین شرایط آنها، مقرر نموده بود: «آیین نامه نحوه به کارگیری و پرداخت حق الزحمه این افراد ظرف شش ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.» شورای نگهبان در اظهار نظر خویش این ماده را نیز به جهت آنکه تصویب این آیین نامه مطابق بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی (ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری) به صورت مطلق در صلاحیت رئیس قوه قضائیه قرار دارد، منوط نمودن آن به پیشنهاد رئیس دیوان را مغایر بند «۱» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی تشخیص داد. کمیسیون در راستای رفع این ایراد، ضمن حذف عبارت «با پیشنهاد رئیس دیوان» در انتهای ماده مقرر داشت «رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» بنابراین با اصلاح صورت گرفته به نظر می رسد ایراد مورد نظر شورای نگهبان مرتفع گردیده و تصویب آن پیشنهاد می گردد.

همچنین در تبصره ماده (۷) مقرر شده بود: «چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش بینی می شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می باشد؛ موضوع همزمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیئت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می شود تا حداکثر ظرف یکماه اعلام نظر نماید و شعب رسیدگی کننده با ملاحظه نظریه مشورتی مذکور نسبت به صدور رای اقدام کنند.» اما شورای نگهبان این تبصره واجد ابهام دانسته و اعلام نمود «از این جهت که در صورت عدم اعلام نظر مشورتی در مهلت ذکر شده، قاضی امکان صدور رای دارد و یا باید صدور رای را تا زمان ملاحظه نظریه مذکور به تعویق بیندازد، ابهام دارد.» توضیح آنکه قانون گذار به موجب حکم ذیل تبصره، گروه کارشناسی یا هیات تخصصی را مکلف کرده است ظرف یک ماه نظر کارشناسی خود را اعلام کند و همچنین قاضی را ملزم کرده است با ملاحظه نظریه مشورتی پیش گفته رای صادر کند. اما روشن نیست در صورتی که کارشناسان فوق ظرف مهلت قانونی نظریه خود را ارائه نکنند قاضی می تواند بدون کسب نظر از آنها رای صادر نماید یا حتما باید صدور رای را تا زمان وصول نظریه کارشناسی متوقف کند. کمیسیون مربوط در راستای رفع این ابهام عبارت «عدم اعلام نظریه مشورتی در مهلت مقرر مانع از صدور رای پس از خاتمه مهلت نیست.» را به انتهای تبصره اضافه نمود که رافع ابهام شورا بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

ماده (۹) - مغایرت با بند «۳» اصل یکصدوپنجاهوهشتم قانون اساسی

مطابق ماده (۹) این مصوبه مقرر شده بود که «قضات اجرای احکام از بین دادرسان و یا مستشاران قضائی توسط رئیس دیوان انتخاب می شوند.» شورای نگهبان در اظهار نظر خویش نسبت به این ماده مقرر نمود: «اختیار تعیین قضات اجرای احکام توسط رئیس دیوان، مغایر بند «۳» اصل یکصدوپنجاهوهشتم

قانون اساسی شناخته شد. توضیح آنکه مطابق بند «۳» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری از صلاحیت‌های رئیس قوه قضایی بوده و بنابراین اعطای اختیار تعیین قضات اجرای احکام به رئیس دیوان مغایر بند مذکور می‌باشد. کمیسیون در راستای رفع ایراد شورای نگهبان ماده (۹) مصوبه را حذف نمود که رافع ایراد شورای نگهبان به نظر می‌رسد و تصویب آن مورد پیشنهاد است.

نتیجه‌گیری

بنابر مراتب پیش گفته هر چند عمده ایرادات و ابهام‌های شورای نگهبان تا ماده (۹) مرتفع گردیده است اما در تبصره ماده (۵) به نظر می‌رسد ابهام شورای نگهبان مرتفع نگردیده و کماکان به قوت خود باقی است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد با رعایت تشریفات مندرج در قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تبصره ماده (۵) به شرح زیر اصلاح گردد:

تبصره - رئیس دیوان می‌تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۲)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، (۱۹)، (۴۷)، (۷۹) به جز تبصره آن، تبصره ماده (۸۵)، مواد (۸۷)، (۹۱) و (۱۲۰) این قانون را، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هر یک از معاونین خود تفویض نماید.

شماره مواد	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح
ماده (۲)	✓			
ماده (۳)	✓			
ماده (۴)	✓			
ماده (۵)				✓
ماده (۶)	✓			
ماده (۷)	✓			
ماده (۹)	✓			

شماره مواد	مصوبه کمیسیون جهت رفع ایرادات	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
(۲)	به منظور رفع ایراد ردیف (۱) شورای محترم نگهبان، ماده (۲) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود: « ماده ۲- در ماده (۲) قانون بعد از عبارت «تعداد شعب دیوان» عبارت «و سازماندهی آنها در قالب معاونت‌های تخصصی» اضافه می‌شود.»				✓	در ماده (۲) مصوبه مجلس شورای اسلامی مقرر شده بود که سازماندهی تشکیلات قضایی، اداری دیوان عدالت اداری در قالب معاونت های تخصصی به پیشنهاد رییس دیوان عدالت اداری به تصویب رییس قوه قضاییه برسد. شورای محترم نگهبان، این ماده را به جهت آنکه مطابق بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» از صلاحیت های رییس قوه قضاییه می‌باشد، تصویب تشکیلات قضایی، اداری و تعداد شعب دیوان و سازماندهی آنها توسط رئیس قوه قضائیه لزوماً از طریق پیشنهاد رئیس دیوان را مغایر اصل ۱۵۸ قانون اساسی تشخیص داد. کمیسیون محترم در راستای رفع ایراد شورای نگهبان، عبارت «با پیشنهاد رییس دیوان» را از این ماده حذف نمود. بنابراین به نظر می رسد ایراد مذکور در این ماده مرتفع گردیده و بنابراین تصویب آن مورد پیشنهاد است.	متن اصلاحی
(۳)	به منظور رفع ایراد ردیف (۲) شورای محترم نگهبان در تبصره (۳) الحاقی به ماده (۳) قانون، موضوع ماده (۳) مصوبه، عبارت «کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات» به عبارت «کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قانونی» اصلاح می‌شود.				✓	تبصره ماده ۳ مصوبه مجلس، ضمن تعریف مراجع اختصاصی اداری، مقرر نموده بود که «مقصود از مراجع اختصاصی اداری کلیه مراجع و هیأت‌هایی است که به موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضائی تشکیل می‌شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و شکایاتی می‌کنند که در صلاحیت آنها قرار داده شده است؛ نظیر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون های مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی، هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما و کمیسیون ها و هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده آنها واگذار شده باشد.» اما با عنایت به اینکه صدر تبصره ۳ به «قوانین و مقررات قانونی» اشاره شده بود اما	متن اصلاحی

شماره مواد	مصوبه کمیسیون جهت رفع ایرادات	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						ذیل تبصره مذکور قید «قانونی» به واژه مقررات اضافه نشده بود آن را واجد ابهام دانست. توضیح آنکه در صورتی که مقصود، صرفاً واژه «مقررات» بدون تقیید به قید قانونی بودن باشد واجد ایراد به نظر می رسد. بنابراین کمیسیون در راستای رفع این ابهام، قید «قانونی» را به واژه «مقررات» مذکور در ذیل تبصره ۳ ماده ۳ اضافه نمود که رافع ابهام شورای نگهبان بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است	
(۴)	به منظور رفع ایراد ردیف (۳) شورای محترم نگهبان در تبصره ماده(۴) اصلاحی قانون، موضوع ماده(۴) مصوبه، عبارت «چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی آنها بر اساس دستورالعملی است که بنا به پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.» به عبارت «چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی آنها بر اساس دستورالعملی است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» اصلاح می شود.		✓			مطابق ماده ۴ مصوبه مجلس تصریح گردیده بود که چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی قضات دارای مدرک دکترای حقوق عمومی، بر اساس دستورالعملی است که بنا به پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. اما شورای محترم نگهبان تصویب دستورالعمل مذکور لزوماً از طریق پیشنهاد رئیس دیوان را مغایر بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی تشخیص داد. در واقع با توجه به اینکه مطابق بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی، «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» به صورت مطلق از وظایف رییس قوه قضائیه می باشد لذا منوط نمودن آن به پیشنهاد رییس دیوان عدالت اداری مغایر بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی است. در راستای رفع ایراد شورای نگهبان، کمیسیون مربوطه ضمن اینکه صلاحیت تصویب این دستورالعمل را در صلاحیت رییس قوه قضائیه مقرر نمود، مقرر داشت: «رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» بنابراین با اصلاح صورت گرفته توسط کمیسیون، به نظر می رسد ایراد شورای نگهبان مرتفع گردیده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
(۵)	به منظور رفع ایرادات ردیف (۴) شورای محترم نگهبان ماده(۵) مصوبه، به شرح زیر اصلاح می شود: «ماده-۵- ماده (۵) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود: ماده-۵- رئیس دیوان با رعایت شرایط مذکور در ماده(۴) علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه قسمت های دیوان، ریاست شعبه اول تجدیدنظر دیوان را نیز برعهده دارد و می تواند از بین معاونین قضائی یک نفر را به عنوان معاون اول انتخاب نماید. تبصره- رئیس دیوان می تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۲)، (۴)، (۷)، (۱۹)، (۴۷)، (۷۹) و (۸۴)، تبصره ماده(۸۵)، مواد (۸۷)، (۹۱) و (۱۲۰) این قانون را، حسب مورد در امور قضائی به معاونین قضائی و در امور غیرقضائی به هر یک از معاونین خود تفویض نماید.»				✓	در صدر ماده ۵ مصوبه مجلس مقرر شده بود که رئیس دیوان، علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه قسمت های دیوان، ریاست شعبه اول تجدیدنظر دیوان را نیز بر عهده دارد. شورای نگهبان ضمن بررسی این ماده اظهار نمود از این جهت که آیا رئیس دیوان نیز، به عنوان رئیس شعبه اول تجدید نظر دیوان، باید شرایط قضاوت مذکور در ماده ۴ قانون را داشته باشد یا خیر؟ ابهام دارد. در واقع با توجه به اینکه مطابق ماده ۴ این مصوبه، شرط قضاوت در دیوان عدالت اداری، دارا بودن هفت سال سابقه قضایی تعیین شده است، لذا مشخص نیست که رییس دیوان جهت تصدی ریاست، باید شرط مذکور را دارا باشد یا خیر؟ کمیسیون در راستای رفع این ابهام، عبارت «با رعایت شرایط مذکور در ماده ۴» را به این ماده اضافه نمود که رافع ابهام شورای بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است. علاوه بر این با توجه به اینکه مطابق تبصره این ماده مقرر شده بود رییس دیوان می تواند وظایف و اختیارات خود را به جز اختیارات خاص موضوع مواد ۷۹ و ۹۱، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور	تبصره- رئیس دیوان می تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۲)، (۴)، (۷)، (۱۹)، (۴۷)، (۷۹) و (۸۴)، تبصره ماده(۸۵)، مواد (۸۷)، (۹۱) و (۱۲۰) این قانون را، حسب مورد در امور قضائی به معاونین قضائی و در امور غیرقضائی به هر یک از معاونین خود تفویض نماید.

شماره مواد	مصوبه کمیسیون جهت رفع ایرادات	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی	
						غیرقضایی به هریک از معاونین خود تفویض نماید، شورای نگهبان از این جهت که عبارت «در امور قضایی» شامل صدور رای می شود یا خیر؟ آن را دارای ابهام تشخیص داد. توضیح آنکه برخی از اختیارات رییس دیوان از جمله صدور رای قائم به شخص بوده و قابل تفویض نمی باشد. کمیسیون در راستای رفع ابهام مذکور، ضمن احصای اختیارات غیرقابل تفویض مقرر داشت: «رئیس دیوان می تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۲)، (۴)، (۷)، (۱۹)، (۴۷)، (۷۹) و (۸۴) و تبصره ماده (۸۵)، مواد (۸۷)، (۹۱) و (۱۲۰) این قانون را، حسب مورد در امور قضایی به معاونین قضایی و در امور غیرقضایی به هریک از معاونین خود تفویض نماید.» به نظر می رسد علی رغم اصلاح صورت گرفته، ابهام شورا کماکان باقی است. توضیح آنکه اولاً در ماده ۲ اختیاری برای رییس دیوان پیش بینی نشده است. ثانیاً اختیار تعیین معاون اول دیوان و ریاست شعبه اول تجدیدنظر مصرح در ماده ۵ نیز غیرقابل تفویض به نظر می رسد که احصا نگردیده است. ثالثاً مشخص نیست علی رغم استتفا شدن مواردی که رییس دیوان به ریاست قوه قضاییه پیشنهاد می نماید، چرا اختیار پیشنهاد مذکور در ماده ۶ ذکر نشده است. رابعاً تعیین ریاست هیات عمومی در غیاب رییس دیوان (ماده ۸)، نیز از اختیارات خاص رییس دیوان است که غیرقابل تفویض به نظر می رسد. خامساً با توجه به اینکه در ماده ۷۹ دو اختیار برای رییس دیوان مقرر شده است مشخص نیست که منظور کدام یک از اختیارات مذکور می باشد. سادساً با توجه به اصلاح ماده ۸۴، تنها صلاحیت اخذ نظر مشورتی از هیات های تخصصی برای رییس دیوان منظور گردیده است که قابل تفویض به نظر میرسد. بنابراین عدم تصویب این تبصره به شرح زیر مورد پیشنهاد است.		
(۶)	به منظور رفع ایراد ردیف (۵) شورای محترم نگهبان، در تبصره الحاقی به ماده (۶) قانون، موضوع ماده (۶) مصوبه، عبارت «رئیس دیوان» به عبارت «رئیس قوه قضائیه» اصلاح و عبارت «رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهاد خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» به انتهای تبصره مذکور اضافه می شود.					مطابق تبصره ماده (۶) مصوبه مقرر شده بود که: «در صورت ارائه الکترونیکی خدمات مذکور به مردم و دستگاه های اجرایی به نحوی که با تشخیص رئیس دیوان وجود این دفاتر در برخی از استانها ضرورت نداشته باشد، دفتر منحل و کارکنان شاغل آن در صورت تمایل به دیوان عدالت اداری در تهران و در غیر این صورت به دادگستری محل، منتقل می گردند.» اما شورای محترم نگهبان این ماده را به جهت اعطای اختیار انحلال دفاتر در استان ها توسط رئیس دیوان به صورت مستقل، مغایر بند «۱» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی تشخیص داد. توضیح آنکه با توجه به اینکه مطابق بند «۱» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» به صورت مطلق از وظایف رییس قوه قضاییه می باشد لذا اعطای اختیار انحلال دفاتر استانی به		

شماره مواد	مصوبه کمیسیون جهت رفع ایرادات	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						<p>رئیس دیوان عدالت اداری مغایر بند مذکور است. کمیسیون در راستای رفع ایراد مذکور ضمن اصلاح مصوبه مقرر داشت: «در صورت ارائه الکترونیکی خدمات مذکور به مردم و دستگاه های اجرایی به نحوی که با تشخیص رئیس قوه قضائیه وجود این دفاتر در برخی از استان ها ضرورت نداشته باشد، دفتر منحل و کارکنان شاغل آن در صورت تمایل به دیوان عدالت اداری در تهران و در غیر این صورت به دادگستری محل، منتقل می گردند. رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» بنابراین با توجه به اصلاح صورت گرفته به نظر می رسد ایراد شورای نگهبان مرتفع گردیده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.</p>	
(۷)	<p>به منظور رفع ایرادات ردیف (۶) شورای محترم نگهبان، در ماده (۷) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۷) مصوبه، عبارت «پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.» به عبارت «پس از ابلاغ این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند» اصلاح و به انتهای تبصره ماده مذکور عبارت «عدم اعلام نظریه مشورتی در مهلت مقرر مانع از صدور رأی پس از خاتمه مهلت نیست.» اضافه می شود.</p>					<p>ماده (۷) مصوبه ضمن تجویز استفاده دیوان عدالت اداری از کارشناسان و تعیین شرایط آنها، مقرر نموده بود: «آیین نامه نحوه به کارگیری و پرداخت حق الزحمه این افراد ظرف شش ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.» شورای نگهبان در اظهار نظر خویش این ماده را نیز به جهت آنکه تصویب این آیین نامه مطابق بند «۱» یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی (ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری) به صورت مطلق در صلاحیت رئیس قوه قضائیه قرار دارد، منوط نمودن آن به پیشنهاد رئیس دیوان را مغایر بند «۱» اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی تشخیص داد. کمیسیون در راستای رفع این ایراد، ضمن حذف عبارت «با پیشنهاد رئیس دیوان» در انتهای ماده مقرر داشت «رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» بنابراین با اصلاح صورت گرفته به نظر می رسد ایراد مورد نظر شورای نگهبان مرتفع گردیده و تصویب آن پیشنهاد می گردد.</p> <p>همچنین در تبصره ماده (۷) مقرر شده بود: «چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش بینی می شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می باشد؛ موضوع همزمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیئت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می شود تا حداکثر ظرف یکماه اعلام نظر نماید و شعب رسیدگی کننده با ملاحظه نظریه مشورتی مذکور نسبت به صدور رأی اقدام کنند.» اما</p>	

شماره مواد	مصوبه کمیسیون جهت رفع ایرادات	موافق	مخالف	ارجاع به کمیسیون	موافق به شرط اصلاح	اظهار نظر کارشناسی	متن اصلاحی
						شورای نگهبان این تبصره واجد ابهام دانسته و اعلام نمود «از این جهت که در صورت عدم اعلام نظر مشورتی در مهلت ذکر شده، قاضی امکان صدور رای دارد و یا باید صدور رای را تا زمان ملاحظه نظریه مذکور به تعویق بیندازد، ابهام دارد.» توضیح آنکه قانونگذار به موجب حکم ذیل تبصره، گروه کارشناسی یا هیات تخصصی را مکلف کرده است ظرف یک ماه نظر کارشناسی خود را اعلام کند و همچنین قاضی را ملزم کرده است با ملاحظه نظریه مشورتی پیش گفته رای صادر کند. اما روشن نیست در صورتی که کارشناسان فوق ظرف مهلت قانونی نظریه خود را ارائه نکنند قاضی می تواند بدون کسب نظر از آنها رای صادر نماید یا حتما باید صدور رای را تا زمان وصول نظریه کارشناسی متوقف کند. کمیسیون مربوط در راستای رفع این ابهام عبارت «عدم اعلام نظریه مشورتی در مهلت مقرر مانع از صدور رأی پس از خاتمه مهلت نیست.» را به انتهای تبصره اضافه نمود که رافع ابهام شورا بوده و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	
(۹)	به منظور رفع ایراد ردیف (۷) شورای محترم نگهبان، ماده (۹) مصوبه حذف می شود.				✓	مطابق ماده ۹ این مصوبه مقرر شده بود که «قضات اجرای احکام از بین دادرسان و یا مستشاران قضائی توسط رئیس دیوان انتخاب می شوند.» شورای نگهبان در اظهار نظر خویش نسبت به این ماده مقرر نمود: «اختیار تعیین قضات اجرای احکام توسط رئیس دیوان، مغایر بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.» توضیح آنکه مطابق بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری از صلاحیت های رییس قوه قضایی بوده و بنابراین اعطای اختیار تعیین قضات اجرای احکام به رییس دیوان مغایر بند مذکور می باشد. کمیسیون در راستای رفع ایراد شورای نگهبان ماده ۹ مصوبه را حذف نمود که رافع ایراد شورای نگهبان به نظر می رسد و تصویب آن مورد پیشنهاد است.	